

عنوان مقاله:

علی باباچاهی و تاملات مرگ اندیشه‌ی وی

محل انتشار:

چهارمین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

نسرین مظفری - استادیار دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گروه درس عمومی

مرضیه نوروزی - کارشناس ارشد ادبیات فارسی

خلاصه مقاله:

مرگ به عنوان یکی از مسایل عالم وجود همواره در ساخت و مایه‌ی زبان شعری نقش موثری داشته است و شاعران این مفهوم را بر اساس جهان بینی خود به گونه‌های مختلف دستمایه‌ی شعر خویش ساخته‌اند. علی باباچاهی شاعر نامدار جنوبی نیز با هنرمندی و بسامدی ویژه به این مفهوم چنگ می‌زند تا با احساس خود خلاصه‌ی کشف و جوهر بیداری خود را منعکس کند. وی در ابتدا ترس و هراس از مرگ را تجربه می‌کند، اما با رنگ باختن زندگی در منظرش، مرگ چهره می‌گشاید و بر سراسر اشعارش سایه‌ی سنگینی می‌افکند تا جایی که اندوه و تاسف از مرگ با مذاق شاعر سازگار نمی‌یابد و به هر صورت، ساز و کار شعری وی و نحوه و حضور و نمایش عاطفی و رویکرد وسواس گونه‌ی وی در قبال مفهوم مرگ او را شاعری مرگ اندیش جلوه می‌دهد؛ شاعری که مرگ را دنباله‌ی طبیعی و جریان زندگی و بر خواسته از آن م‌بیند و تلخی و زهرآلودی و سیاهی آن را کم‌تر در جهانی که ترسیم می‌کند می‌یابیم. چنان که در بسیاری از شعرها تصاویر خوشایندی از مرگ ارایه می‌دهد و مرگ را راه رسیدن انسان به سعادت جاودانی می‌داند و طبق سخن قرآن یادآور می‌شود که از مرگ گریزی نیست و همه را در می‌یابد. در این پژوهش تلاش شده در مسیر دست‌یابی به نگرش و جهان بینی شاعر، به این مقوله اساسی پرداخته شود و با روش توصیفی تحلیلی با استناد به اشعارش دیدگاهش نسبت به مقوله‌ی مرگ تبیین گردد.

کلمات کلیدی:

شعر، درون مایه، علی باباچاهی، زندگی، مرگ

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/778166>

